

تاریخچه حوزه علمیه قم



... در عظیم خلوت من

info@xalvat.com

نشر دیگران

<http://xalvat.com>

xalvat@xalvat.com

<http://xalvat.com/xalvat7/Nasher-eDigar>

۲۹۶

تاریخچه حوزه علمیه قم



همشهری ماه

<http://www.hawzah.net>

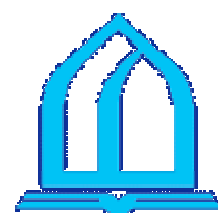
www.hamshahri.org

هوزه
hawzah.net

با افزودن تصاویر در لایه مطالب



حوزه علمیه قم



قم از نخستین شهرهایی است که در ایران مذهب تشیع را پذیرفت و از ربع آخر قرن اول هجری فرهنگ شیعی فرهنگ مردم این دیار شد مردم آن نخستین کسانی بودند که برای امامان(ع) خمس فرستادند و ائمه شیعه بارها از اهل قم و این سرزمین مقدس اسلامی به عظمت یادکردند.

امام علی(ع) می‌فرماید:

«سلام الله علی اهل قم و رحمة الله علی اهل قم... هم اهل رکوع و خشوع و سجود و قیام و صیام. هم الفقهاء العلماء الفهماء، هم اهل الدین و الولاية و حسن العبادۃ صلوات الله علیهم و رحمة الله و برکاته.»

«سلام خدا بر مردم قم... آنان اهل رکوع و سجود و خشوع و نماز و روزه‌اند آنان فقیهان، عالمان و هوشمندانند آنان دیندار و دوستدار خاندان پیامبر(ص) و اهل عبادت‌های شایسته‌اند درود خدا و رحمت و برکت بر او و بر آنان باد.»

دوره اول

نخستین دوره از حوزه علمیه قم به عصر امامت و شاگردان حوزه‌های درس ایشان اختصاص دارد که پس از اخذ علم و توانایی در نشر فرهنگ اسلامی، قم را به عنوان پایگاه شیعه انتخاب نموده و در آن به ترویج مکتب علوی پرداخته‌اند.

قم در قرن سوم هجری مرکز نشر حدیث امامیه گردید و آن زمانی است که کوفه به عنوان نخستین پایگاه شیعی نفوذ خود را از دست داد و محدثانی بسان «حسین بن سعید اهوازی» و برادرش ابتدا به اهواز و از آنجا به قم آمدند.

دوره دوم

این دوره به دو قرن چهارم و پنجم هجری اختصاص دارد که شاگردان دوره اول یا شاگرد شاگردان آنها می‌باشند.



در قرن چهارم رونق حوزه علمیه ری حوزه علمیه قم را تحت الشعاع قرار داد چرا که با وجود شخصیت‌هایی چون شیخ صدوق در ری دانشجویان اسلامی ری را بر قم ترجیح می‌دادند لیکن نباید از خاطر دور داشت که سیره علمی محدثان اسلامی بر این بوده‌است که در شهری بخصوص ساکن نباشند و با مسافرت‌های خویش علاوه بر نشر احادیث معصومین(ع) به فراگیری احادیث از اساتید فن همت گمارند لذا دانشمندان حوزه ری و قم نوعی تبادل فرهنگی داشتند و شاید از این روست که مورخین تاریخ قم و ری، برخی از دانشمندان این دوره را به شهر خویش منسوب می‌دارند.

با این حال شیخ آقا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعه نام دهها دانشمند قمی را در این دوره ذکر کرده‌است.

بدین ترتیب دوره دوم حوزه علمیه قم را گروه کثیری از محدثان و فقهای شیعه شکل داده‌اند که شاگردان دوره اول و اساتید علمای شیعه قرن پنجم بوده‌اند.

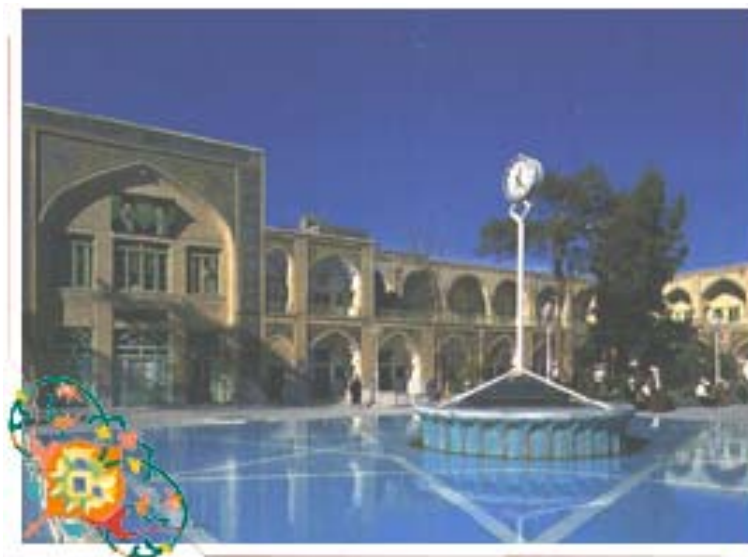
دانشمند متبوع شیخ عبدالکریم ربانی شیرازی ۲۵۲ تن از اساتید و ۲۷ تن از شاگردان شیخ صدوق را در مقدمه «معانی الاخبار» (چاپ مکتبه صدوق) نقل کرده‌است. کتب شیخ صدوق که در این دوره نگارش یافته‌است از مهمترین کتب امامیه شناخته می‌شود و اگر ثمره تحریک علمی این دوره را فقط به کتب شیعه اختصاص دهیم باید آن را ارج نهاد چرا که شیخ صدوق توانست آثار روایی شیعه از پیشینیان را به ارث برد و با تالیف سیصد کتاب مبانی اسلامی را با مهارت‌های قابل تحسین تدوین نماید.

دوره سوم

این دوره از قرن ششم تا قرن نهم هجری را شامل است حوزه علمیه قم در این دوره از وضع مناسبی برخوردار نبود و مردم آن بارها قتل عام شده و شهر روبه ویرانی نهاد. هر چند مدتی نیز پایتخت تیموریان بود.

در تاریخ قم به قتل عامها و تخریب شهر بر می‌خوریم ولی شاید حمله مغول در سال ۶۳۱ از ویرانگرترین نوع آن قتل عامها و تخریبها به شمار رود که تا عصر تیموریان باقی بوده و زکریای قزوینی و حمدالله مستوفی به آن اشاره کرده‌اند و تنها تاسیس «مدرسه رضویه» به این دوره نسبت داده شده‌است.

با این حال شیخ آقا بزرگ در طبقات اعلام الشیعه متجاوز از سی تن از دانشمندان قرن ششم را نام برده‌است که رقم آنان در قرن هفتم به سه نفر تقلیل یافته‌است و در قرن ششم تنها يك نفر نام برده و هفت تن از علمای قم را در قرن نهم ذکر کرده‌است بدین ترتیب رکود علمی از قرن ششم شروع شد و در قرن هفتم و هشتم با حضور سلسله‌های ویرانگر مغول و تیموریان رشد کرد در قرن نهم علمای قم با اخذ تدابیر زیرکانه به مقابله با رکود فرهنگی برخاستند و در صدد تحکیم پایه‌های علمی در حوزه پرسابقه قم برآمدند.



دوره چهارم

این دوره از قرن دهم شروع می‌شود و تا قرن سیزدهم معاصر با سلسله‌های صفویه افغانه، افشاریه، زندیه، و قاجاریه امتداد می‌یابد.

نخستین بخش از این دوره معاصر با سلسله صفویه است که با مهاجرت علمای شیعه جبل عامل لبنان به ایران و نشر تفکر اصولی شیعه همراه بوده‌است و آن زمانی است که در چند سال اول دولت صفوی چنین تشخیص داده شده‌بود که منصب حکومت از آن ولی فقیه است لیکن پس از چندی این تفکر به فراموشی سپرده‌شد که با بازگشت دانشمندان فرزانه‌ای بسان محقق کرکی به عتبات عالیات همراه بود حوزه علمیه اصفهان به موجب توجه صفویان از پرتحرک‌ترین حوزه‌های جهان تشیع در این دوره است با تاسیس مدارس شیعی در اصفهان و دیگر شهرهای ایران چون قم، شیراز، قزوین و مشهد دانشگاه‌های دینی و تفکر شیعی و از آن جمله علوم عقلی - فلسفه و کلام - رو به رشد گذاشت.

با رشد اخباری‌گری در حوزه اصفهان نه تنها علمای اصولی این حوزه را ترك کردند بلکه برخی از دانشمندان علوم عقلی نیز از این دیار رانده شدند. فیلسوف پرآوازه صدرالدین شیرازی مشهور به «ملا صدرا» در این زمره قرارداشت.

هجرت صدر المتألهین شیرازی از اصفهان به قم هر چند موجبات رکود علوم عقلی را در حوزه اصفهان به همراه داشت ولی باعث رونق دانشگاه‌های عقلی در حوزه علمیه قم گردید و با پرورش شاگردان و تالیفات خویش زمینه پذیرش تفکر اصولی را در این حوزه فراهم ساخت؛ درحالی که حوزه قم تا قبل از این دوره بیشتر مهد پرورش محدثان شیعه بود و البته نباید این نکته را نادیده گرفت که محدثان قم خود از آن فرزاندانی بودند که هر حدیثی را براحتی قبول نمی‌کردند و در مقابل برخی که به نقل روایات ضعیف می‌پرداختند عکس العمل نشان می‌دادند چنانکه «احمد بن محمد بن خالد برقی» «سهل بن زیاد آدمی رازی» و «ابوسمینه محمد بن علی صیرفی» از سوی «احمد بن محمد بن محمد بن عیسی» بزرگ عالم قم از این شهر تبعید شدند و سال ۲۵۵ ق به نام سال تبعید محدثان و علما از قم شهرت یافت بعدها خالد برقی رابه قم بازگردانیدند ولی آن دو نفر دیگر همچنان در تبعید به سربردند بعلت تبعید این افراد نقل روایات از راویان ضعیف و یا شهرت به غلو در حق ائمه (ع) بود.



صدرالمতالہین محمد بن ابراہیم شیرازی (۹۷۹ - ۱۰۵۰ ق.) از فلاسفہ و متکلمان و مفسران شیعه است کہ در این دورہ می‌زیستہ است و دوران حضوری وی در حوزه علمیه قم مقارن با عصر گوشہ‌گیری و انقطاع اوست کہ بہ پرورش شاگردان و تالیف و تصنیف پرداختہ و تامل در علوم را بر آمیزش با مردمان ترجیح دادہ است.



ظہور علم اصول

چنانکہ گذشت حضور حکمای الہی در این دورہ از حوزه علمیه قم باعث ظہور علم اصول در آن گردید چرا کہ فلاسفہ‌ای چون صدرالمتالہین شیرازی زمینہ اندیشہ آزاد را در حوزه قم ایجاد کردہ بودند لذا میرزای قمی قدس سرہ (۱۱۵۱ - ۱۲۳۱) پس از تحصیل در عتبات عالیات و بہرہ‌مندی از اساتید فقہ و اصول حوزه علمیه نجف اشرف و کر بلا بسان وحید بہبہانی دامنہ اصول فقہ را از عتبات عالیات بہ قم کشاند و آن زمانی بود کہ پس از بازگشت از عراق حوزه اصفہان و شیراز را مناسب مقام خویش نیافت و وقتی وارد حوزه علمیه قم شد تشنگان معارف جعفری را با فقہ شیعی و مبانی اجتہادی آن آشنا ساخت و مرجع دینی شیعیان در عصر خود شد و با تالیف و تدریس اصول استنباط و منطق اجتہاد بہ محقق قمی مشہور گردید. کتاب «القوانین المحکمۃ فی علم الاصول» از مهمتین کتب وی می‌باشد کہ تا زمان ما از کتب درسی حوزه‌ها محسوب می‌گردد.

بدین ترتیب اگر ہشام بن حکم (متوفی ۱۹۹ ق.)، «یونس بن عبد الرحمن»، «ابوسہل نوبختی» و «حسن بن موسی نوبختی» را کہ از اصحاب ائمہ (ع) بودند نخستین دانشندان شیعی و مؤلفان علم اصول و ترویج دہندگان آن بدانیم میرزا ابوالقاسم قمی در آن ردیف از چہارمین دورہ مدرسہ اصول شیعه است کہ حوزه علمیه قم را برای تربیت دانشمندان علم اصول برگزیدہ است؛ ہر چند پیش از وی سید مرتضیٰ حوزه علمیه بغداد را برای این مقام انتخاب کردہ بود و شیخ طوسی در مرحلہ نخست حوزه نجف



و در مرحله دوم حوزه علمیه قم از پرکارترین حوزه‌های شیعه در این علم شریف بوده‌اند؛ اگر چه فرزاندانی بسان «فاضل تونی» در حوزه علمیه مشهد نیز به این علم پرداخته و با تبحری که داشته‌اند مخالفان اخباری را پاسخ داده‌اند.

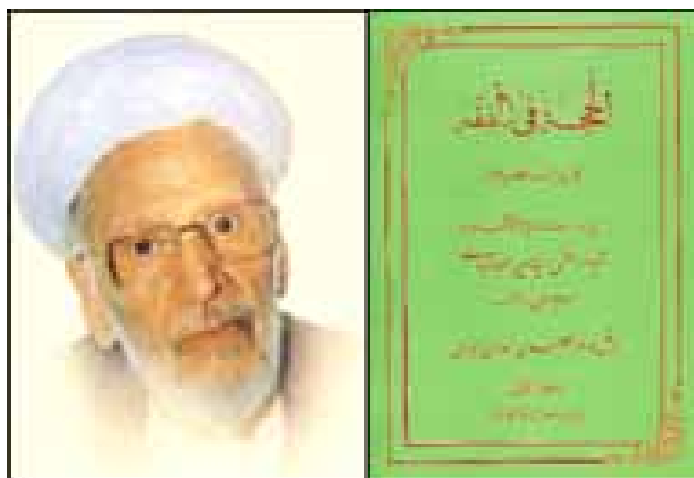
حضرت آیه الله العظمی میرزا ابوالقاسم قمی قدس سره با سعی وافر که در ایجاد جنبش اصولی از خود نشان داد احیاگر علم اصول در حوزه علمیه قم شناخته شد و با پرورش شاگردانی بسان «سید محمد باقر حجة الاسلام» «حاج محمد ابراهیم کلباسی»، «آقا محمد علی هزار جریبی»، «آقا احمد کرمانشاهی»، «سید محمد مهدی خوانساری»، «سید علی خوانساری»، «میرزا ابوطالب قمی»، «حاج ملا اسد الله بروجردی»، «حاج ملا محمد کزازی»، تفکر اصولی را از حوزه قم به حوزه‌های اصفهان، قمشه و کرمانشاه انتقال داد و با نوآوری‌های خویش تحولی شگرف به حوزه قم بخشید و سالها رکود و سکوت را به عصر طلایی جهاد و اجتهاد تبدیل نمود.

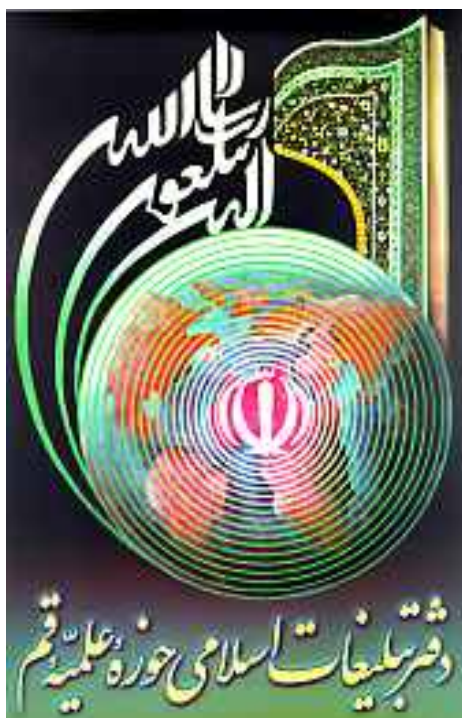
دوره پنجم

این دوره از اواخر قرن سیزدهم شروع می‌شود و تا عصر حاضر امتداد می‌یابد.

نقطه تحول این دوره از زمانی آغاز می‌شود که حضرت آیه الله العظمی حائری قدس سره در این حوزه مسکن گزید و با انقباس قدسیه خویش حوزه علمیه قم را جانی تازه بخشید و به «آیه الله مؤسس» شهرت یافت.

پیش از آیه الله حائری علامه مجاهد آیه الله شیخ محمد تقی بافقی یزدی از نجف اشرف به قم مهاجرت کرد و با هماهنگی بین دانشمندانی چون «آیه الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر قمی» و «آیه الله حاج شیخ مهدی» و «آیه الله حاج محمد ارباب» مقدمات تاسیس حوزه را فراهم آورد آنان پس از بحث و بررسی به این نتیجه رسیدند که فردی خارج از قم به این شهر آمده رایت علم و فقه را در حوزه برافرازد شخصی که خود از جهات علمی و تقوایی به مدارج عالی کمال نایل آمده و توانایی رهبری و ریاست حوزه علمی شیعه را داشته باشد این شخصیت برجسته کسی جز آیه الله شیخ عبدالکریم حائری نبود دانشمند فرزانه‌ای که از محضر اساتید عتبات عالیات بهره برده و به دریای علوم اهل بیت (ع) پیوسته بود.







دیدار شاه با آیت الله بروجردی

سال ۱۳۶۳ ق. برابر با ورود حضرت آیه الله العظمی بروجردی قدس سره به حوزه علمیه قم بود هر چند ایشان در زمان آیه الله مؤسس از سوی وی به قم دعوت شده بود لیکن کناره گیری از مناصب اجتماعی را ترجیح داده، دعوت آیه الله حائری را اجابت نکردند تا در اواخر سال ۱۳۶۳ ق. دوران ریاست سه مرجع بزرگوار - خوانساری، حجت، صدر - به قم آمده، در حوزه علمیه قم اقامت اختیار کردند.

حضرت آیه الله بروجردی علاوه بر علوم اسلامی چون فقه و اصول و رجال و حدیث در فلسفه و کلام و هیات یدی طولانی داشت و خود تا پیش از ورود به حوزه علمیه قم به تدریس فلسفه مشغول بود و با ورود به قم تدریس فقه و اصول را آغاز نمود که درس اصول شش سال دوام یافت و درس فقه را تا آخرین روزهای حیات تدریس نمود.



انقلاب اسلامی به روایت خاطره (از دوران زعامت آیت الله العظمی بروجردی تا قیام ۱۵ خرداد)



حضرت آیه الله العظمی امام الموسوی الخمینی از مراجع تقلید شیعه و از بزرگانی بود که پس از آیه الله بروجردی رهبری حوزه علمیه قم را به دست گرفت امام خمینی ضمن تدریس و تعلیم دانشجویان علوم دینی مبارزات سیاسی خود را بر علیه رژیم منحوس پهلوی ادامه داد تا اینکه توسط نظام حاکم به خارج از وطن خویش تبعید شد.

«حضرت آیه الله سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی» از دانشمندان فرزانه‌ای است که بنا به درخواست آیه الله مؤسس به قم آمد و به تربیت دانشجویان دینی پرداخت همزمان با ایشان آیه الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی و آیه الله شیخ محمد علی اراکی از اساطین بزرگ حوزه علمیه قم بودند که زعامت و مرجعیت مردم و حوزه قم را به عهده گرفتند علاوه بر این مراجع بزرگوار در این دوره رجال علم و دانشمندی در علوم مختلف اسلامی حوزه قم را مرکز دانش‌پژوهی و تعلیم و تربیت قرار داده‌اند و مدرسان و مجتهدان و مبلغان دوره آینده را تربیت می‌کنند که ما فعلاً از ذکر نام آنها صرف نظر کرده و در بخش معرفی علمای قم مفصلاً آنها را معرفی خواهیم کرد.



حوزه فلسفی قم

با توجه به اینکه بحثهای عمیق فلسفی در کلام پیشوایان شیعه وجود داشت حوزه‌های علمیه جهان تشیع بیش از حوزه‌های اهل سنت به فلسفه روی آوردند و چون ایران مکتب تشیع را پذیرفته بود پس از «شیخ الرئیس ابن سینا» حوزه فلسفی به ایران انتقال یافت و قریب به اتفاق فلاسفه بزرگ جهان اسلام از میان شیعیان و ایرانیان برخاست دوره چهارم از حوزه علمیه قم نخستین دوره از پیدایی حوزه فلسفی در این شهر مقدس است که با هجرت «صدر المتألهین شیرازی» (۹۷۹ - ۱۰۵۰) و تربیت شاگردانی چون «فیض کاشانی» «فیاض لاهیجی» به وجود آمد و با دانش اندوزی «قاضی سعید قمی» ادامه یافت.

علامه طباطبایی که خود از شاگردان حوزه فلسفی نجف اشرف و از اساتید حوزه قم در دوره پنجم است تاریخ فلسفه اسلامی را این گونه بیان می‌دارد:



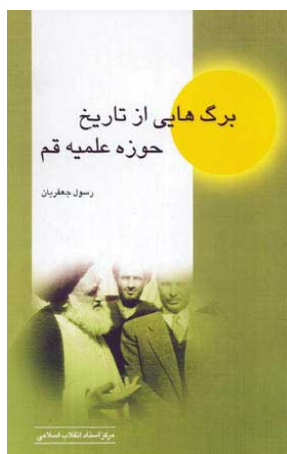
«نظر به اینکه بحث شیعه در حقایق معارف با روش تحلیل و انتقاد و کنجکاوی عقلی آزاد بود و بحثهای عمیق فلسفی در کلام پیشوایان این طایفه به حد وفور وجود داشت این طایفه نسبت به بقیه طوایف اسلامی استعداد بیشتری به فرا گرفتن فلسفه داشتند و از این روی هنگامی که کتب فلسفی یونان و غیر آن به عربی ترجمه شد و کم و بیش در میان مسلمین رواج یافت (با این خاصیت که مطالب فلسفی در حوز افهام همگانی نیست) در نفوس شیعه نسبت به دیگران تأثیری عمیقتر داشته است و نقشی روشنتر می‌بست.

در ابتدای حال مکتب اشراقین در اسلام رواج نیافت و حکما و فلاسفه اسلامی به مکتب مشائین (اتباع ارسطو) اقبال نمودند ولی دیری نگذشت که به نزدیکی رابطه فلسفه و دین پی‌برده و در صدد توفیق میان فلسفه و دین برآمده و بحثهایی تا اندازه‌ای ساده و ابتدایی انجام دادند این حقیقت را در تالیفات «معلم ثانی، ابی‌نصر محمد بن طرخان فارابی» و پس از آن در تالیفات تفسیری «شیخ الرئیس ابن سینا» می‌توان یافت.»

ایشان ادامه می‌دهند فلاسفه اسلامی دریافتند که با هر يك از سه راه دین، فلسفه، عرفان، می‌توان به حقایق کلیه آفرینش نایل گردید با این ویژگی که زبان دین، زبان همگانی است که با بیانی ساده آدمی را به اسرار آفرینش آگاه می‌کند لیکن مطالب فلسفی تنها در خور فهم گروهی خاص است که با ریاضات عقلی ورزیده شده و برهان را از قیاسات جدلی و خطابی تمیز می‌دهند و اهل عرفان با تعلیمات دینی و ریاضات شرعی آئینه نفس را صیقلی داده و طبق عنایتهای الهی حقایق را مشاهده می‌کنند علامه طباطبایی پس از برشمردن سیر فلسفی می‌فرماید:

«کلید رمزهایی به دست این فلسفه اسلامی افتاده که هرگز در فلسفه های کهن «کلد» «مصر»، «یونان» و «اسکندریه» به دست نمی‌آید.»





در نتیجه اولاً مسایل فلسفی که به حسب آنچه از کتب فلسفی گذشتگان به عربی ترجمه شده و به دست مسلمین رسیده و تقریباً دویست مساله بوده در این مکتب فلسفی تقریباً به هفتصد مساله بالغ می‌شود.

ثانیاً: مسایل فلسفی که مخصوصاً در مکتب مشائین از یونانی‌ها به طور غیر منظم توجیه شده و نوع مسایل از همدیگر جدا و به همدیگر مربوط نبودند در این مکتب فلسفی حالت مسایل يك فن ریاضی را پیدا کرده و به همدیگر مترتب شده‌اند به نحوی که با حل دو سه مساله اولی که فلسفه را افتتاح می‌کنند همه مسائل فلسفی را می‌توان حل و توجیه نمود و به همین جهت به آسانی می‌توان رابطه فلسفه را از طبیعیات قدیم و هیات قدیم قطع کرد و در نتیجه هیچ گونه برخورد و منافاتی میان این مکتب فلسفی و علم امروز اتفاق نمی‌افتد.

ثالثاً: فلسفه تقریباً جامد و کهنه به واسطه روش این مکتب فلسفی به کلی تغییر وضع و قیافه داده و مطبوع طبع انسانی و مقبول ذوق و عقل و شرع می‌باشد و مسایلی را که علم جدید تازه موفق به کشف آنها شده یا امید حل آنها را دارد این مکتب فلسفی یا مایه شگرفت خود به طور عموم و کلیت به حل آنها موفق یا شالوده حل آنها را می‌ریزد.

چنانکه به واسطه حل شدن مساله «حرکت جوهری» که سیصد سال پیش با این روش فلسفی حل شده است مساله «بعد چهارم در اجسام» به طور روشن بدست آمده و با این مساله «نسبیت» (البته در خارج از افکار نه در افکار) روشن گردیده است و مسایل دیگری که هنوز از راه علم مورد بحث نشده به طور کلیت خاتمه یافته است.»

در دوره متاخر حوزه فلسفی قم شخصیت‌های فرزانه‌ای را به خود دید که در تفکر فلسفی و سیاسی جهان اسلام نقش مؤثری داشتند همان گونه که در دوره‌های پیشین نیز با وجود حکیم الهی صدر المتألهین شیرازی و شاگردانش حوزه فلسفی قم نقش مهمی در دوره صفوی داشت.



«حکیم متاله آیه الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی» (۱۳۱۰ - ۱۳۹۵ ق.) از جمله شخصیت‌های علمی و فلسفی بودند که علوم عقلی را در حوزه تهران از آیه الله حاج شیخ عبد النبي نوری، حکیم میرزا محسن کرمانشاهی، فاضل تهرانی و میرزا محمود قمی آموخته بود. در زمان آیه الله حائری به قم آمده و به تدریس علوم عقلی پرداخت و از نخبه‌ترین شاگردان ایشان در این عصر حضرت امام خمینی قدس سره است.

آیه الله رفیعی قزوینی سپس مدتی در تهران اقامت نمود و مکتب فلسفی قم را شاگردان ایشان اداره می‌کردند البته معظم له در زمان مرجعیت آیه الله بروجردی نیز دو ماه در قم اقامت نمودند لیکن انتقال حوزه فلسفی تهران به قم و تربیت شاگردان فلسفه و حکمت به دوره نخست اقامت ایشان در قم برمی‌گردد.

«حضرت آیه الله العظمی امام خمینی» قدس سره حکیم متاله و عارف واصلی است که پس از استاد مکتب فلسفی وی را تداوم بخشید ویژگی خاص حضرت امام ژرف نگری معظم له به مسایل فلسفی و توجه به ابعاد مختلف علوم اسلامی بود لذا مباحث پراکنده فلسفی فقهی اخلاقی و عرفانی را که در اندیشه فلسفه

سیاسی نقش داشتند به صورت منسجم در مکتب درس ایشان مطرح شد و نظریه «ولایت فقیه» کامل شده و در مکتب‌های فلسفی و فقهی حوزه‌های علمیه پیروانی یافت که با گسترش آن از حوزه علمیه قم به انقلاب اسلامی و تاسیس حکومت اسلامی انجامید.

«حضرت آیه الله سید محمد حسین طباطبایی» از دیگر شخصیت‌های فلسفی بودند که در اشاعه اندیشه صدرایی و رواج آن سهم عمده‌ای داشت و چند دوره «اسفار» و «شفاء» را تدریس نموده و «بداية الحکمه» و «نهایة الحکمة» را در ترویج مکتب صدر المتألهین به رشته تحریر درآوردند البته تالیفات علامه طباطبایی به دو اثر خلاصه نمی‌شود ایشان دهها کتاب، رساله و یا تعلیقه در فلسفه الهی داشتند نقش مؤثر ایشان در حوزه فلسفی قم طرح نظریات فلسفه الهی به سبک جدید و پاسخ به فلسفه مادی «ماتریالیسم دیالکتیک» بود. با برپایی انجمن علمی و طرح مسایل جدیدی که در حوزه تفکر مادی مطرح شده پاسخ برهانی خویش را در «اصول فلسفه و روش رئالیسم» تهیه دید که با شرح شاگرد فرزانه‌اش «استاد شهید آیه الله مرتضی مطهری» اعلی الله مقامه الشریف این سیره علمی در اقصی نقاط عالم اسلامی منتشر شد.

«علامه شهید مرتضی مطهری» پیرو مکتبی فلسفی دو استاد فرزانه‌اش حضرت امام خمینی و علامه طباطبایی بود که با تدوین و تدریس کتبی در فلسفه تطبیقی و نقد تفکر مارکسیسم مبانی فکری فلسفه اسلام را در حوزه قم و تهران به افشار مختلف فرهنگی اعم از طلاب علوم دینی، دانشجویان و عموم مردم رواج داد.

البته اساتید دیگری نیز در حوزه فلسفی قم به تدریس اشتغال داشته و دارند که برخی از آنها عبارتند از:

- آیه الله عبد الله جوادی آملی

- آیه الله حسن حسن زاده آملی

- آیه الله محمد تقی مصباح

آنچه که در این دوره از حوزه فلسفی اهمیت ویژه دارد رشد تفکر فلسفه سیاسی است که شاید بتوان گفت در هیچ يك از دوره‌های فرهنگی این رشد و شکوفایی در حوزه‌های علمیه روی نداده است.

در این دوره مبانی اندیشه سیاسی اسلام مورد بررسی قرار گرفته و اصول اولیه تدوین می‌یابد تا نظریه «ولایت فقیه» به صورتی جامع و کامل مطرح شده و تا نقد مکاتب فلسفی غرب جایگاه خویش را در متن جامعه پیدا می‌کند.

در این دوره دیگر بار پس از هزار و چهار صد سال مبانی عقیدتی و فلسفه سیاسی اسلام از کتابها و کتابخانه‌ها و اندیشه‌های فردی خارج شده و در متن جامعه پیاده شده «مدینه فاضله اسلامی» برپا می‌گردد.

اقتباس از کتاب حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان
سید علیرضا سیدکباری

